

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



## اصول هفتگانه قدرت هرمس

خوزه سیلوا / مجید پزشکی

نشانه‌هایی از «اصول هرمتیک»، هم در قدیمی‌ترین تعالیم هندیان و هم در کتیبه‌های مربوط به مصر باستان، یافت شده است. افراد انگشت ششمی از اصول هرمتیک آگاهی دارند، زیرا این اصول، به هنگام غروب خورشید علم در اروپا (قرون وسطی) زمانی که سربازان کلیسا کسانی را که درباره‌ی «اسرار تاریک» جرات کنجاوی داشتند، به قتل می‌رساندند- در لقاچه‌ای از رمز و راز پنهان گشتند



**هرمس** در اساطیر یونان باستان، پدر علم و سخنوری و زیرکی و همچنین به عنوان رب النوع حامی مرزهای کشور و رب النوع تجارت و بازرگانی شناخته شده است. هرمس، علم کیمیاگری را بنیان نهاد که در نهایت علوم شیمی، پزشکی، ستاره‌شناسی، ریاضیات، فلسفه و دیگر علوم مدرن از آن نشئت یافتند.

هرمس، که می‌گویند با حضرت ابراهیم هم دوره بود، پایه‌های اغلب آن چه را بعدها به علوم سری تبدیل شدند، بنیان نهاد. نشانه‌هایی از «اصول هرمنوتیک»، هم در قدیمی‌ترین تعالیم هندیان و هم در کتیبه‌های مربوط به مصر باستان، یافت شده است. افراد انگشت شماری از اصول هرمنوتیک آگاهی دارند، زیرا این اصول، به هنگام غروب خورشید علم در اروپا (قرون وسطی) زمانی که سربازان کلیسا کسانی را که درباره‌ی «اسرار تاریک» جرئت کنجکاوی داشتند، به قتل می‌رساندند - در لفافه‌ای از رمز و راز پنهان گشتند.

امروزه، نوشته‌های زیادی درباره‌ی دانش هرمس، مخصوصاً درباره‌ی هفت اصلی که ادعا می‌شود پایه‌ی تمام دانش‌های بشری است، وجود دارد. در تلاش برای آگاهی از علوم قدیم کتیبه‌هایی از دل خاک بیرون آمده است که در سالیان اخیر، علاقه‌مندان بسیاری را به خود جذب کرده است. ما اکنون قصد داریم که هفت اصل هرمس را برای شما بازگویم، با این امید که بتوانید از آن‌ها در رشد و تکامل خود، بهره‌برید.

برای استفاده از اصول هرمس، که به اصول هفت گانه قدرت معروف‌اند، بهتر است که در سطح آلفا، درباره‌ی تک تک این اصول مراقبه کنید. در نتیجه با این کار، افزایش سطح آگاهی تان درباره‌ی این اصول، در جاده‌ی منتهی به روشن‌گری، یک گام بیش‌تر به سمت جلو حرکت خواهید کرد. اما شما نباید انتظار داشته باشید که در سطح آلفا، آگاهی تان به صورت جرقه‌هایی الهام‌گونه یک باره آشکار شود، بلکه لازم است پس از تأمل کافی درباره‌ی هر اصل و پس از هضم و به‌کارگیری این اصول، منتظر ظهور تدریجی شناخت و آگاهی باشید.

اصول هفت گانه قدرت، به طور یقین در تمام عناصر وجودی صادق‌اند و در عین حال، قابل تغییر، اصلاح یا نابودی نیستند. عملگر داین اصول، همانند قوانین راهنمایی و رانندگی است؛ به عبارت بهتر، این اصول قوانین جهانی هستند که بر همه چیز، از کوچک‌ترین ذرات جهان گرفته تا خود «جهان»

حاکم‌اند. آگاهی از این اصول، همچون داشتن برگی برنده در دست شماس است و در واقع می‌توان گفت که این اصول قوانین کلی حاکم بر زندگی هستند.

نخستین اصل از اصول هفت گانه قدرت به «اصل ذهن‌گرایی» معروف است. بنابراین اصل ذهن‌گرایی، جهان جلوه‌ای از وجود ذهنی خداوند است. با این توضیح، بی‌درنگ با سؤالات گوناگونی روبه‌رو می‌شویم که ناشی از درک نادرست مردم از این اصل است. آیا این اصل به این معناست که ما شکل خیال گونه‌های از یک ماهیت نامحدودیم که از او جدا گشته‌ایم و هرگز نمی‌توانیم به کنه وجود او و در نتیجه، به کنه وجود خودمان پی ببریم؟ آیا ما آدم ماشینی بی‌اراده‌ای هستیم که از تولیدات یک قادر مطلق است؟ در جواب چنین سؤالاتی باید گفت که هرگز چنین نیست؛ بلکه همان گونه که شخصیت داستانی یک داستان نویس، جلوه‌ای از شخصیت خود اوست، ما و هر آن چه در جهان وجود دارد، جلوه‌ای از خالقمان هستیم، زیرا همان گونه که پیش‌تر نیز اشاره کردیم، دنیای هر کس جلوه‌ای از وجود ذهنی خود اوست.

«اصل ذهن‌گرایی» ما را در درک بهتر ذهن و روان و پی بردن به نحوه عملکرد آن، توانا تر می‌سازد. نیروی ذهنی یا کنترل ذهن، به این دلیل تأثیر دارد که جهان، چیزی ذهنی است و تمام چیزها از جایگاه نسبی ذهن ما دیده می‌شوند یعنی ما هر چه فکر می‌کنیم، می‌بینیم. ممکن است که شما فکر کنید در پیش روی تان یک درخت می‌بینید، در حالی که یک سنجاب آن درخت را خانه می‌بیند. یا ممکن است که دوست شما تابلویی از یک کاسورا را یک اثر بی‌همتای هنری ببیند ولی شما آن را یک تابلوی گران قیمت ببینید. همچنین، ممکن است که شما موقعیتی را برای خودتان یک دردسر به حساب آورید؛ در حالی که همسر تان آن را یک اتفاق ساده پندارد. در تمام این موارد، هم شما و هم دیگران، همگی حق دارید، زیرا هر کس در واقع هر آن چه را فکر می‌کند، می‌بیند. روش کنترل ذهن سیلوا بر این اساس شکل گرفته است که ذهن ما قادر است نیروها و شرایطی را که خارج از وجود ما قرار گرفته‌اند، کنترل کند، زیرا همان گونه که گفتیم، دنیایی که ما پیش روی چشمانمان می‌بینیم، جلوه‌ای است از وجود ذهنی ما؛ پس، همان گونه که ما دنیای خودمان را ایجاد می‌کنیم، قادریم آن را دوباره از نو پدید آوریم. در واقع، ما در دوره‌ی سیلوا می‌آموزیم که برای تغییر دادن و کنترل کردن دنیای مان، از ذهن خودمان استفاده کنیم. دومین اصل قدرت، «اصل تطابق» نام دارد و بیانگر

این است که: «هر آن چه در بالاست، پس در پایین هم هست و هر آن چه در پایین است، پس در بالا نیز وجود دارد».

بر طبق این اصل، آن چه در عالم مادی وجود دارد، پس در عالم ذهنی نیز وجود دارد و آن چه در عالم ذهنی وجود دارد، پس در عالم روحانی هم موجود است. بنابراین، از آن جا که امواج مغزی فردی، در سطح بتای بالا با فرکانس ۴۰ سیکل در ثانیه است، پس احساس ذهنی او در سطح بالایی از تشش و بی‌قراری خواهد بود. از آن جایی که جهان جلوه‌ای از وجود ذهنی خود شما است.

با درک و شناخت بیش‌تر این اصل، شما می‌توانید، بسیاری از احساسات منفی یا مثبت خود را آزاد کنید. همچنین، این اصل به شما کمک می‌کند که مشکلاتی را که دارای درجات متفاوتی از شکل بروز هستند را از راه مواجهه با درجات خفیف تر آن‌ها، حل و فصل کنید؛ زیرا بر اساس اصل تطابق، یک مشکل در شکل خفیف آن، در واقع همان مشکل در شدیدترین شکل خود است. در روش کنترل ذهن سیلوا، به شیوه‌های گوناگونی از «اصل تطابق» بهره‌برداری می‌شود. سومین اصل قدرت، به «اصل ارتعاش» معروف است. بر طبق این اصل، همه چیز در حال یک حرکت دائمی و بی‌پایان است و هر گونه تغییری در ارتعاش عناصر، شکل بروز آن‌ها را دگرگون می‌کند. مثلاً بر اساس این اصل، موفقیت و شکست نیز هر کدام دارای ارتعاش خاصی هستند.

گفتیم که بر اساس «اصل ارتعاش»، با تغییر ارتعاش یک شیء شکل بروز آن شیء تغییر می‌یابد، مثلاً آب در بالاترین ارتعاش خود، در شکل بخار و در پایین‌ترین ارتعاش خود در شکل یخ بروز می‌یابد؛ اما آب، یخ و بخار همگی یکی هستند و تنها شدت ارتعاشات آن‌ها، شکل بروزشان را تغییر می‌دهد.

اولین نت در مقیاس موسیقایی، A نامیده می‌شود. در بیان نت A درست در بالای C متوسط با ارتعاشی برابر با ۸۸۰ سیکل در ثانیه، قرار دارد (البته اگر بیان کوک باشد). بنابراین، ارتعاش ۸۸۰ سیکل در ثانیه، در یک زمان واحد بیانگر نت A است. اما اگر در گیتاری سیم نت A را به اندازه‌ای شل کنیم که ارتعاش آن به ۸۷۰ سیکل برسد، صدای نت A اندکی تغییر پیدا خواهد کرد. آن گونه که یک گوش حساس، به خوبی آن را تشخیص خواهد داد. در چنین حالتی، نت A کمی دگرگون و غیرطبیعی به نظر خواهد آمد. با شل‌تر کردن سیم نت A در گیتار تا حد رسیدن به ارتعاش ۸۶۰ سیکل در ثانیه، حتی اگر شما نت A



دور قرار داریم، مگر آن که از آینده به گذشته خود بنگریم. اگر ما در وضعیت صعودی دور خود قرار داشته باشیم، شانس موفقیت ما در هر کاری افزایش خواهد یافت، اما اگر در وضعیت نزولی دور خود باشیم، احتمالاً در کارهایمان دچار شکست خواهیم شد. به عبارت دیگر، می توان چنین گفت که دور زندگی ما دارای نقطه فراز و نقطه فرود است و این شامل دور خواب، دور سلامتی، دور انرژی، دور موفقیت، دور بخت و شانس است.

هر دوری در مدت معینی از زمان جریان می یابد. مثلاً دور ماه، مانند دور عادت ماهیانه زنان، ۲۸ روزه است، ولی دور خواب نود دقیقه ای است. در هر حال، همان طور که قبلاً گفتیم، ما از این که آیا در نقطه فراز دورمان قرار داریم یا در نقطه فرود آن، از پیش آگاهی نداریم؛ ولی اگر از جریان زندگی خود، نموداری از دوره های سردی، انرژی، شانس، عشق، سلامت، موفقیت، کسالت و رسم کنیم، متوجه نوساناتی منظم میان آن ها خواهیم شد.

برای این که شما از دوره های زندگی خود آگاهی بیش تری به دست آورید، می توانید به سطح آلفا بروید و در این سطح با کمک گرفتن از تکنیک سه انگشتی، به خودتان تلقین کنید که شما قصد دارید از دوره های زندگی تان آگاه تر شوید و آن ها را بیش تر بشناسید. این گونه، شما می توانید با کسب آگاهی بیش تر از نقطه های فراز دور زندگی خود، هنگامی که در دور صعودی قرار دارید، در کارهایتان موفق شوید. به این ترتیب، مطابق با «اصل ریتیم»، یک خانم خانه دار با شناخت نقطه های فراز دور زندگی خود می تواند خریدهای مناسبی انجام دهد، یا این که تاجران در نقطه های فراز، دور زندگی ماهیانه خود می توانند معامله های پرسودی انجام دهند و سرمایه گذاران و خریداران سهام می توانند به موفقیت های شغلی عمده ای نایل شوند.

ششمین اصل قدرت، «اصل علت و معلول» (اثر و تأثیر) است. طبق این اصل، هر علتی، معلولی خاص و هر معلولی، علت خاص خود را دارد. به عبارت دیگر، بر طبق این اصل، تمام رویدادهای زندگی بر اساس قوانینی شکل می گیرند و حتی حوادث و تصادفات نیز قوانینی دارند که از نظر ماناشناخته اند. بگذارید با بیان داستان کوتاهی این اصل را بیش تر توضیح دهیم. روزی از روزها، در یکی از جنگل های کالیفرنیا، برگی از درختی جدا شد و به زمین افتاد. کرم ابریشم چاقی که از آن جا می گذشت، مجبور شد برای پرهیز از برخورد با آن برگ، آن را دور بزند.



در واقع، بر طبق «اصل ریتیم»، هر کاری که ما در طول یکی ماه هرگز از پیش نمی دانیم که در کجای آن دور قرار داریم، مگر آن که از آینده به گذشته خود بنگریم.

جور احساس منفی؟ اگر مقیاس تضاد را رسم کنیم، ترس در قطب منفی مقیاس قرار خواهد گرفت. با تفکر بیش تر درباره ی کلمه ترس، بی می بریم که «ترس» احساسی از انتظار است. بنابراین در هر دو قطب مثبت و منفی مقیاس تضاد، کلمه انتظار را قرار داده ایم و ترس را این گونه تعریف خواهیم کرد: ترس احساسی از یک انتظار منفی است - یعنی فردی که دچار ترس می شود، در انتظار وقوع وقایع ناخوشایند به سر می برد. اما در برابر احساس «ترس»، احساس «خوش بینی» قرار دارد که احساس انتظاری مثبت است یعنی فرد دارای احساس «خوش بینی» در انتظار وقوع وقایع خوشایند خواهد بود. به این ترتیب، چنین نتیجه گیری خواهیم کرد که ترس و خوش بینی هر دو یکی هستند و تنها از نظر درجه مثبت یا منفی بودن با همدیگر متفاوت اند.

پس بنابر «اصل تضاد»، ما می توانیم با تغییر دادن درجه احساساتی همچون ترس، به قطب مقابل و مثبت این احساسات تغییر جهت دهیم.

پنجمین اصل قدرت به «اصل ریتیم» معروف است. «اصل ریتیم» بیانگر این است که هر چیزی دارای جریان و دوری است دوری صعودی و دوری نزولی. بر طبق این اصل، همه چیز دارای نقطه اوج و نقطه نزول است. مثلاً، دور منظمی از تولد، رشد، پیری و سرانجام مرگ، به چشم می خورد. همچنین، در هر لحظه از اوقات شبانه روز، ما با یک دور منظم روبه روییم: هنگامی که از خواب بیدار می شویم، دور روزانه ی خود را با خوردن صبحانه آغاز می کنیم. زمانی که خوردن صبحانه را شروع می کنیم، دوری آغاز می شود که با پایان یافتن صبحانه خاتمه می یابد. پس از سپری شدن روزه به هنگام شب، دور شبانه گاهی زندگی و دور رویاهایمان آغاز می شود. در واقع، بر طبق «اصل ریتیم»، هر کاری که ما در طول یک شبانه روز انجام می دهیم، دارای یک دور است. ولی ما هرگز از پیش نمی دانیم که در کجای آن

را از نت G تشخیص ندهید، متوجه خواهید شد که سیم گیتار صدای درستی نمی دهد. در این حالت، نت A دیگر بیمار و دچار سینه پهلو خواهد شد، آن گونه که اگر سیم آن باز هم شل تر شود، خواهد مرد. اما جای هیچ گونه نگرانی نیست، زیرا نجات A بسیار آسان است و تنها کافی است که سیم آن را کمی سفت تر کنیم.

هر آن چه در بالاست، پس در پایین هم هست و هر آن چه در پایین است، پس در بالا هم هست. بدن ما نیز وضعیتی همچون سیم های گیتار دارد. به بیان دیگر، هنگامی که ما دچار بیماری می شویم، آن چه در بطن بیماری ما قرار دارد، ضعیف تر شدن ارعاشات بدنمان است، بنابراین برای مقابله با هر نوع بیماری، فقط کافی است که ارعاشات بدنمان را تنظیم کنیم، خواهید دید که به زودی شفا خواهیم یافت. چهارمین اصل قدرت، «اصل تضاد» است. بر اساس این اصل، همه چیز دوگانه است یعنی هر چیزی در جهان، ضد خودش را دارد و این دو چیز متضاد، فقط از نظر درجه و کمیت با یکدیگر متفاوت اند ولی از نظر ماهیت با همدیگر تفاوتی ندارند.

همه ی ما، افراد کم سن و سال و بلند قد و بازیکنان کوتاه قد بسکتبال را به چشم خود دیده ایم، اما باید گفت که مطابق «اصل تضاد» بلندی یا کوتاهی به خودی خود وجود ندارد، بلکه تشخیص این امر به نظر مایستگی دارد. درباره ی گرما و سرما نیز همین طور است. در دینامیک ذهنی سیلوا، ما «اصل تضاد» را برای چرخش نگرشمان از دوست نداشتن به دوست داشتن، از ترس به خوش بینی، از تنفر به عشق، از احساس گناه به بخشش خود و از خشم به خونسردی، به کار خواهیم برد. همچنین از «اصل تضاد» برای شفاف تر کردن معانی کلمات مانند: عشق، ترس و خشم، از راه تعریف و توصیف کلمات متضاد آن ها، استفاده های فراوانی خواهیم برد. مثلاً، کلمه «ترس» را در نظر بگیرید. ترس چیست؟ مسلماً «ترس» یک احساس منفی است؛ اما چه



پس از این که آن کرم ابریشم با تغییر مسیرش به کنده‌ی درختی رسیده از آن بالا رفت و بر روی آن توقف کرد. در همان زمان، مردی از راه رسید و بر روی آن کنده‌ی درخت نشست؛ اما پس از این که در پشت خود احساس چیزی نمناک کرده از جایش بلند شد و متوجه شد که کرمی له شده و لباس او را کثیف کرده است. آن مرد پس از بازگشت به خانه لباس هایش را عوض کرد و آن را برای شستشو به خشک شویی محلشان تحویل داد. او در مغازه خشک شویی با خانمی آشنا شد که از او خوشش آمد. سرانجام کار آن دو به ازدواج کشید و پس از مدتی صاحب پسری شدند. پسر آن‌ها بسیار باهوش بود، به گونه‌ای که پس از سپری کردن دوران مدرسه، یک وکیل شد. بعدها آن پسر وارد کارهای سیاسی گردید و در حزب خود بسیار ترقی کرد. چنین بود که به علت افتادن برگی در یکی از جنگل‌های کالیفرنیا، ریچارد نیکسون سی و هفتمین رییس جمهوری امریکا شد. این بود نمونه‌ی عینی از «اصل علت و معلول».

## مسعود پرزین، حکایت‌های ذن

### اصلاح واقعی

ریوکن زندگی راوقف تحصیل ذن کرد. روزی شنید که خواهرزاده‌اش باوجود سرزنش اقوام ثروتنش را برای فاحشه‌ای به هدر می‌دهد، و چون خواهرزاده اداره امور املاک خانواده را به جای ریوکن به دست گرفته و خطر نابودی آن پیش پنی می‌شد، متوسلین از او خواستند اقدامی به عمل آورد.

ریوکن، برای ملاقات او که سال‌های سال از هم دور بودند، باید راهی دور و دراز می‌یست. خواهرزاده از دیدنش خرسند شد و خواهش کرد شب را نزد وی بماند.

ریوکن تمام شب را به تفکر عبادت نشست. صبح روز بعد که عزم بازگشت داشت به او گفت «دارم میر می‌شوم. دسم می‌لوزد. کمکم کن که بند کفش صندلم را ببندم.»

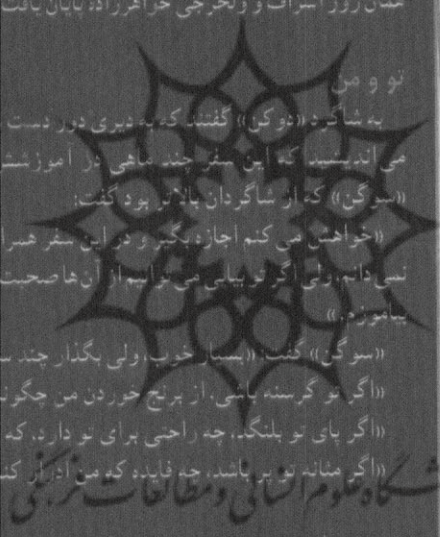
خواهرزاده با میل چنین کرد. ریوکن سپس گذارد و اضافه کرد «می‌بینی که انسان روز به روز بی‌تر و ضعیف‌تر می‌شود. خوب مراقب خود باش.»

بعد به راه افتاد بدون آن که از زن فاحشه و شکایت اقوام کلامی به میان کشد. ولی از همان روز اسراف و ولخرجی خواهرزاده پایان یافت.

هفتمین اصل قدرت «اصل جنس» است. مطابق با این اصل هر چیزی دارای نیروهای مذکر و مؤنث است. جنس در عالم مادی، در عالم ذهنی و هم در عالم روحانی آشکار می‌شود. نیروی مذکر، برون‌گرا، مثبت و فعال است. اما نیروی مؤنث، درون‌گرا، منفی، منفعل و خلاق است. نیروهای مؤنث و مذکر در هر دو جنس مرد و زن وجود دارند. مثلاً یک سخنران ماهر و پرتحرک، صرف نظر از زن یا مرد بودن، نیروهای مذکر تولید خواهد کرد.

اصول هفت‌گانه قدرت، قوانین غیر قابل بحث طبیعت هستند و چنان که گفتیم، این قوانین، تغییرپذیر یا فناپذیر نیستند. با وجود این، ممکن است از یک قانون، مخالف قانون دیگری استفاده شود قوانین بالاتر برضد قوانین پست‌تر و قوانین پست‌تر برضد قوانین بالاتر. جهان، یا به عبارت بهتر ذهن شما، مانند رودخانه‌ای است که این قوانین همچون چوب خشکی در آن شناور است. شما که در این رودخانه شنا می‌کنید، می‌توانید با توسل به این چوب خشک، خودتان را به ساحل نجات برسانید. برای رسیدن به ساحل نجات، حتماً لازم نیست که شما این قوانین را خوب بشناسید، اما زمانی که به ساحل نجات رسیدید، تأمل اندکی درباره‌ی قوانین، شما را در بهتر شنا کردن در رودخانه‌ی زندگی، توانا تر خواهد ساخت.

هدف ما از بیان هفت اصل قدرت در این مقاله، این است که شما پس از مراقبه بر روی آن‌ها و کسب آگاهی بیش‌تر درباره‌ی آن‌ها بتوانید از آن‌ها در تمام جنبه‌های زندگی‌تان بهره‌برداری کنید. بارشد و تکامل آگاهی شما درباره‌ی این اصول، بسیار بیش از گذشته از منافع آن‌ها بهره‌مند خواهید شد. تظاهر بیش‌تر این اصول، در زندگی روزمره‌ی ما کاملاً آشکار است، اما برخی از آن‌ها چندان به چشم نمی‌آیند.



## شکاه معلوم‌السانی و معانیات ذن

### یک نت ذن

پس از این که کاکو امپراتور بار یافت دیگر دیده نشد و کسی نمی‌دانست چه بر سرش آمد. او نخستین زائینی بود که در چین ذن آموخت. ولی چون به استثناء یک نت موسیقی چیزی از خود نشان نداد، به عنوان کسی که ذن به زاین آورده باشد از او صحبت نمی‌شود.

کاکو آ به چین رفت و تعلیم واقعی را پذیرفت. مادام که در این کشور بود سفر نکرد. دانما به تفکر عبادت پرداخت و در گوشه‌ای دور افتاده، بر کوه زندگی نمود. هر گاه کسی به دیدنش می‌رفت و خواستار موعظه می‌شد، کاکو فقط چند کلمه بر زبان می‌راند و فوراً جاعوض می‌کرد و به خلوتگاه دیگری در دل کوه پناه می‌برد تا به راحتی پیدا نشود. وقتی کاکو آ به زاین بازگشت، امپراتور آگاه شد و از او دعوت کرد به منظور اشاعه به‌ذیب اخلاق به تعلیم او و پندگانش پردازد.

کاکو آ آرام در حضور امپراتور ایستاد. از لای قباقلوتی در آورد و یک نت کوتاه نواخت. آن گاه مودبانه تعظیم کرد و رفت که رفت.